

## ارائه الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران

مهدی عبدالحمید<sup>۱</sup>

علی اصغر پورعزت<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر، با دغدغه‌ی رفع ابهام موجود در مفاهیم ارزشیابی و موفقیت خط‌مشی، شکل گرفته و با هدف تعیین شاخص‌های موفقیت سامانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران ادامه پیدا کرده است. با این فرض که در شرایط موجود، ابهام قابل توجهی در شاخص‌های ارزیابی وجود دارد، ابهامی که به موجب ادراکات گوناگون انواع گروه‌های ذی‌نفع از موفقیت و شکست خط‌مشی‌های عمومی یک سامانه‌ی سیاسی، ممکن است نوعی تنیدگی بن‌بست‌گونه را سبب‌ساز شده و در نتیجه به سلب اعتماد عمومی از سامانه‌ی سیاسی بینجامد. پژوهش حاضر با نظرداشتن این مهم، ضمن بررسی مدل‌های موجود ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی، با رجوع به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، درصدد تبیین شاخص‌های ناظر بر موفقیت عملکرد حکومت برآمده است. روش تحقیق حاضر در قالب روش تحقیق کیفی، و با هدفی توسعه‌ای، سامان گرفته است. نمونه‌گیری نظری، راهبرد داده‌یابی پژوهش بوده و تحلیل محتوای قیاسی و تحلیل مضمون، راهبردهای داده‌کاوی این پژوهش بوده‌اند. در مرحله‌ی اعتباریابی نیز از روش مقایسه‌های مستمر و رجوع به خبرگان (۱۹ نفر) در قالب روش دلفی فازی بهره گرفته شده است. در نهایت ۱۲۶ مؤلفه مورد اجماع قرار گرفت که در قالب چهار مضمون کلی پیامدهای سیاسی (۲۷ مؤلفه)، پیامدهای توزیعی (۱۶ مؤلفه)، فراگرد (۳۱ مؤلفه)، و اهداف (۵۲ مؤلفه) دسته‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، الگوی ارزشیابی خط‌مشی، موفقیت خط‌مشی، شکست خط‌مشی، شاخص‌های ارزشیابی

۱. استادیار گروه مدیریت و فلسفه علم و فناوری دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mahdi\_abdolhamid@iust.ac.ir

Pourezzat@ut.ac.ir

۲. استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی، یکی از موضوعات بحث برانگیز هر جامعه است. در این خصوص، به دلیل ویژگی‌های چندبعدی پدیده‌های اجتماعی مورد بررسی، هر یک از نظریه‌پردازان، از منظر متفاوت به بررسی پدیده‌ها پرداخته و در جهت موفقیت و یا شکست یک خط‌مشی، دلایل و شواهد خود را عرضه می‌دارند (Newman, 2014). این امر موجب می‌گردد که هر یک از گروه‌های ارزشیاب، ادراک گروه‌های هدف، ذی‌حقان و ذی‌نفوذان را به نفع ادراک خود از نتایج، دستکاری نمایند. این مسئله، آن‌گاه بغرنج می‌گردد که این تعارض در ارزشیابی، بین نهادهای رسمی یک سیستم اجتماعی رخ دهد؛ نتیجه آن می‌شود که نوعی تراکم و تنیدگی بن‌بست‌گونه بروز می‌کند. سوگیری و جهت‌گیری‌های سطوح بالای خط‌مشی‌گذاری و تعارض بنیادین آن‌ها، عدم توافق بین خط‌مشی‌گذاران، و پیچیدگی مشکلات، از دلایل بروز این مسئله بوده، در هر صورت احتمالاً دید عموم مردم را نسبت به حاکمیت، در اثر این تراکم بن‌بست‌گونه، منفی می‌سازد و موجب کاهش اعتماد مردم به فراگرد سیاسی می‌شود (Hibbing and Theiss-Morse 1995, 2002). اکثریت مردم، این‌گونه تنیدگی‌های بن‌بست‌گونه‌ی خط‌مشی را به نوعی شکست حاکمیت می‌دانند (Dunn, 2012, 34). ارزشیابی‌های گوناگون و گاهی متناقض با شاخص‌های متنوع و متفاوت، جامعه‌ی هدف را با سردرگمی و سرانجام بی‌اعتمادی نسبت به نظام حاکم مواجه می‌سازد (عبدالحمید و بابایی معجد، ۱۳۹۳). این مسئله به دلیل این‌که انقلاب اسلامی ایران هم در بعد محتوا و هم ساختار، نوآوری منحصر به فردی را ارائه نموده است، بیشتر به چشم می‌آید چرا که باید مرحله نظام‌سازی و دولت‌سازی را پس از انقلاب طی نماید تا سازه‌ای هم‌ساز در بعد محتوایی و ساختاری محقق شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۳/۷).

توضیح این‌که اروپا و به دنبال آن آمریکا، سالیان سال است که از مباحث فلسفه‌ی اجتماع و حکومت گذر کرده و مبتنی بر فلسفه‌ی اجتماع و حکومت، سامانه‌سازی می‌کنند و توقف بیش‌تر بر این مباحث را مایه‌ی عقب‌ماندگی و عدم کارایی می‌دانند و بنای خود را بر تربیت تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌هایی گذاشته‌اند که در سطح «چگونگی» ورود داشته و به «چرایی»

مباحث نمی‌پردازند (کنت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷). به عبارت دیگر، غرب سالیان متمادی است که اصول موضوعه‌ی تمدن خویش را بنیان نهاده و مسلم فرض کرده و بر اساس آن، اصول متداول خود را پی می‌ریزد و دانشمندی تربیت می‌کند که اغلب در سطح اصول متداول کار می‌کنند و به اصول موضوعه نمی‌پردازند؛ بر این اساس است که دین (اصول موضوعه) را از سیاست (اصول متداول) و در مرحله‌ی بعد، سیاست (اصول موضوعه) را از اداره (اصول متداول) جدا می‌کنند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۶، ۲۴). بر مبنای همین جدایی‌هاست که ارزشیابی یک حکومت و گفتمان ترویجی در بین مردم به عنوان جامعه‌ی هدف در غرب در سطح اصول متداول بوده و نگاهی درون پارادایمی دارد. با نگاهی یادگیرانه، در پارادایم غربی، تنها یادگیری تک حلقه‌ای (مورگان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۸۵) رخ می‌دهد و امکان گذر از پارادایم غالب ممکن نیست و البته با نگاهی مبتنی بر ارزشیابی خط‌مشی، جامعه‌ی غربی به صورت کاملاً آگاهانه درگیر خروجی<sup>۳</sup>‌هاست و از بحث و غور در سطح اثرات نهایی<sup>۴</sup> گذر کرده است؛ خروجی‌هایی که به درستی معرف و مبین اثر نهایی دلخواه سیستم‌اند (رضایی منش و دیگران، ۱۳۹۳).

شاید دلیل توقف ادبیات ارزشیابی خط‌مشی‌گذاری موجود منبعث از غرب در روش‌های ارزیابی و نه حتی روش‌شناسی<sup>۵</sup>‌ها، همین مسلم فرض کردن شاخص‌های ارزشیابی است. این موضوع تا بدان‌جا که آگزیم‌های غرب در جامعه و کشوری پذیرفته شده است، مشکل‌ساز نیست؛ ولی همین‌که اراده‌ی گذر از آگزیم‌ها، معمول شود و نگاهی درخور در آگزیم‌های معقول و متناسب با کمال نهایی انسان در انداخته شود، باید اصول متداول نیز متناسب با آن‌ها تغییر یابد. این عدم تجانس، مسئله‌امروزی نظام جمهوری اسلامی ایران و مسئله تحقیق پیش روست.

مسئله در نظام جمهوری اسلامی ایران، با نگاه فوق‌الذکر این است که به دلیل تعلق در نظام‌سازی مبتنی بر آگزیم‌های پذیرفته‌شده‌ی ابتدای انقلاب اسلامی و تأثیر مظاهر تمدنی

- 
1. Kent A. Kirvan
  2. Gareth Morgan
  3. Output
  4. Impact
  5. Methodology

مشحون از آگزیوم‌های جامعه‌ی جهانی بر جامعه‌ی اسلامی ایران، نوعی عدم همسازی میان اصول متداول و اصول موضوعه در حکمرانی مشهود است. به عبارت دیگر، میان اثر نهایی و خروجی‌ها به حد کفایت، همسازی وجود ندارد و این مسئله هم در سطح جامعه و در حیطه‌ی گفتمان سازی و هم در سطح مسئولین کاملاً مشهود است و بعضاً ارزشیابی‌ها در بستر همین ناهمگونی صورت می‌گیرد.

به عبارت دیگر، مسئله‌ی ارزشیابی و شاخص سازی در یک نظام، گاه آنقدر بغرنج می‌گردد که اصول متداول نامتجانس با اصول موضوعه به دلیل برخورداری از حمایت عوامل کاذب و بی‌هویت محیطی، به گفتمان غالب جامعه و مطالبه‌ی مردم و در نهایت گفتمان حاکمیت منفعل تبدیل می‌گردد و موجب انحراف نظام از مسیر اصیل‌اش می‌شود. در این حالت، شاخص‌های ارزشیابی استحاله شده و ماهیتاً تغییر می‌کنند و در بلندمدت ممکن است موجب تغییر اصول موضوعه‌ی نظام می‌گردد (عبدالحمید و محمدی، ۱۳۹۳)

بنابراین می‌بایست شاخص‌های ارزشیابی و مدل نهادی هم‌ساز با آن، جهت ارزشیابی خط‌مشی بنیان نهاد که موجب نشود، این تصور در خط‌مشی‌گذاران و پاسخ‌گویان ایجاد شود که سردرگمی و دوباره کاری و تنیدگی بن‌بست گونه در حاکمیت وجود دارد. نخستین گام در این راه، عبور از ابهامات نهفته در مفاهیم، از طریق تعریف آن در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌ها است، یکی از مفاهیم مبهم در این راه، علاوه بر مفهوم ارزشیابی و خط‌مشی، مفهوم موفقیت و شکست است. در این پژوهش، با پیش‌فرض گرفتن تعاریفی از ارزشیابی و خط‌مشی، گذری به مفهوم موفقیت خط‌مشی خواهیم داشت و با اختیار کردن یکی از مدل‌های ارزشیابی موفقیت به مثابه مدل اولیه، شاخص‌ها و مؤلفه‌های ارزشیابی موفقیت خط‌مشی، بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دام‌الله‌العالی احصاء می‌گردد.

## ۲. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این پژوهش، ارائه الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است. بر این اساس، این پژوهش بر محوریت سؤال از چیستی الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است و سؤالات فرعی پژوهش نیز بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی فوق، متمرکز است.

## ۳. پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی تحقیق، از آن جهت اهمیت دارد که مبتنی بر سابقه تحقیقات صورت گرفته، شکاف پژوهش مشخص شده و موضوع تحقیق بر آن مبنا تحدید و روش مناسب بر مبنای موضوع مشخص شده، تعریف شود. بر این مبنا، در ادامه برخی از تحقیقات صورت گرفته در حوزه‌ی ارزشیابی خط‌مشی به شرح ذیل ارائه می‌شود.

کتابی با عنوان «مختصات حکومت حق مدار» نوشته دکتر علی اصغر پورعزت در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است که مستخرج از رساله‌ی دکتری وی در سال ۱۳۸۲ با عنوان «طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی؛ بر مبنای مدل حکومت حق مدار علوی» است. محقق در این پژوهش، با محوریت عدل و با بهره‌گیری از منبع نهج البلاغه، ضمن بیان اهداف حکومت حق مدار، عرصه‌های حکمرانی حق مدار، مبانی و بنیان‌های سیستم حکومت حق مدار، قضایای منطقی سیستم خط‌مشی‌گذاری حق مدار را بیان کرده و بر آن اساس مختصات سیستم خط‌مشی‌گذاری حق مدار را ترسیم می‌نماید. در این تحقیق به دلیل تمرکز بر نظام خط‌مشی‌گذاری و هم‌چنین عرصه‌ی تدوین خط‌مشی، به موضوع ارزیابی خط‌مشی و تعیین شاخص‌های ارزیابی توجه کافی نشده است. از طرف دیگر، این تحقیق از حیث منبع با تحقیق حاضر متفاوت است.

تحقیقات دیگر همان‌طور که پیش از این اشاره شد از سطح تحلیل محدودتری نسبت به تحقیق حاضر برخوردارند، تحقیقاتی نظیر:

- هادی‌پیکانی، مهربان (۱۳۸۸)، «الگویی برای فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران»، رساله‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)،
- فیضی، کاوه (۱۳۷۵)، «ارزیابی خط‌مشی‌های کوتاه مدت در جهت استحکام روابط بازرگانی بلندمدت (بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)،
- رضایی شریف آبادی، سعید (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای خط‌مشی دسترسی و ارائه‌ی خدمات بخش خطی کتابخانه‌های کشور و ارائه‌ی راهکار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس،
- علیزاده، ساره (۱۳۹۱)، «بررسی شاخص‌های نظارت و ارزیابی برنامه‌های نمایشی

سیما و ارائه‌ی شاخص مطلوب از دیدگاه کارشناسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران،

- پناهنده، محمد (۱۳۸۲)، «ارزیابی راهبردی محیط زیست (SEA): رویکرد برنامه‌ای به ارزیابی نشانزدهای محیط زیست (EIA)»، محیط‌شناسی، دوره ۲۹، شماره ۳۲
- سلطانی‌گرددفرامرز، علی محمد (۱۳۹۰)، «مدل ارزیابی سیاست‌گذاری فناوری نانو در ایران»، رساله‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)؛
- عابدینی، اصغر (۱۳۹۲)، «ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در ارتباط با استطاعت مالی خانوارهای کم درآمد شهری در ایران (مطالعه موردی: شهر ارومیه)»، رساله دکتری، دانشگاه تبریز.

در حوزه‌ی شاخص‌های ارزشیابی نظام‌های موجود جهان، پژوهش‌ها اغلب در حیطه‌ی ادبیات توسعه قرار می‌گیرد. اگر شاخص‌های ارزشیابی، در سه سطح جامعه‌ی بین‌الملل، جامعه‌ی ایران، و حکمرانی در نظر گرفته شود، شاخص‌های توسعه اغلب در سطح کشورها تبیین شده است. رویکرد جدید توسعه، پس از توسعه اقتصادی (رشد)، رویکرد توسعه‌ی انسانی است، تحقیق در باره عدم توانمندی توسعه‌ی انسانی انگشت شمار و محدود است. اهم این پژوهش‌ها عبارت هستند از:

همایون. ا. در و سعیده، ف. اُبتی (۱۳۸۲)، در مقاله‌ی «شاخص توسعه انسانی - اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)» با استفاده از معیار مقاصد شریعت (حفظ دین، عقل، نسل و مال) دو نوع شاخص مادی و کیفی ارائه می‌دهند. شاخص مادی، همان شاخص توسعه انسانی است؛ یعنی درآمد، آموزش و سلامت، اما شاخص کیفی عبارت هستند از نفوذ مذهب (نماین بودن مذهب، نظام حقوقی و دولت دینی)، ارزش‌های خانوادگی، مشارکت، دموکراسی، آزادی و نگرانی‌های زیست‌محیطی.

محمد جواد توکلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی» می‌کوشد که با استفاده از نتیجه‌های پژوهش‌های پیشین و پژوهشی دیگر، روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی را مورد بررسی قرار دهد. تفاوت اصلی این نوشته با پژوهش‌های پیشین ناشی از بازتعریف توانمندی اخلاقی به عنوان بُعد چهارم توسعه انسانی است. بر اساس این رویکرد، جامعه متشکل از انسان‌های آگاه، سالم و

پردرآمد الزاماً پیشرفته نیست، بلکه عناصر دانش، سلامت و ثروت حتی می‌توانند سبب غفلت انسان و سرانجام سقوط تمدن‌های بشری شوند. در نگرش اسلامی، بعد پیشرفت خداگونه شدن انسان است.

به این ترتیب دو پژوهش اخیر، ضمن تأیید رویکرد اصلی توانمندسازی توسعه انسانی متعارف، بحث اخلاق و توانمندی اخلاقی را روش اسلامی کردن توسعه انسانی می‌دانند. سید محمدکاظم رجایی (۱۳۷۸)، در مقاله‌ی «توسعه به عنوان هدف (نگرشی قرآنی)» توسعه را از منظر قرآن مورد بررسی قرار داد.

محمد جمال خلیلیان اشکذری (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «شاخص‌های توسعه‌ی انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام» با معیار حیات معقول که از آموزه‌های قرآنی و روایات استنباط شده، نفی الگوی توسعه‌ی انسانی متعارف می‌پردازد. مقاله بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، پنج شاخص توسعه‌ی انسان محور را به منظور سنجش توسعه‌ی اقتصادی در یک جامعه اسلامی مطرح می‌کند؛ میزان توسعه‌یافتگی نیروی انسانی، میزان تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم، میزان پای‌بندی افراد نسبت به حفظ منافع ملی، میزان تعهد، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی افراد جامعه، میزان کامیابی در رفع فقر و تامین رفاه نسبی.

ولی‌الله نقی پورفر و محمدرضا احمدی (۱۳۸۷)، در مقاله «شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، خدامحوری، کسب رضایت حق و رسیدن به قرب حق را اساس توسعه‌ی انسانی از دیدگاه اسلام می‌دانند. توسعه رایج -به ویژه در اندیشه غربی- بر عقل خود بنیاد یا همان عقل ابزاری است؛ عقلی که به جای کشف و تبیین حقیقت هستی، ابزاری در دست انسان‌های مادی‌گرا برای بهینه‌سازی روش‌ها و ابزارها جهت استخدام و بهره‌وری بیشتر طبیعت و فراهم ساختن تنوع و تغییر بیشتر در زندگی مادی است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از برخی تحقیقات پیشین در قلمرو موضوعی تحقیق

ردیف	عنوان تحقیق	مؤلفان	سال
۱	تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت	رحمت‌الله قلی‌پور	۱۳۸۳
۲	آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران	یوسف ترابی	۱۳۸۴
۳	مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب	احمد میدری	۱۳۸۵

ردیف	عنوان تحقیق	مؤلفان	سال
۴	توسعه عدالت محور و الگوی ایرانی اسلامی آن	منوچهر منطقی	۱۳۸۸
۵	حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی	محمد ناظمی اردکانی	۱۳۸۸
۶	تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب	سروش دباغ	۱۳۸۸
۷	نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی	اصغر مبارک	۱۳۸۸
۸	تحلیلی انتقادی بر بکارگیری شاخص‌های مرسوم جهانی توسعه	سید مجتبی امامی	۱۳۸۹
۹	کاربست حکمرانی خوب برای ملت سازی در پرتو مطالعات میان رشته‌ای	پورعزت، طاهری عطار	۱۳۸۹
۱۰	حکمرانی و توسعه گذشته حال آینده	علی نیکونستی	۱۳۹۰
۱۱	ارزیابی سیاست نابسامانی مفهومی؟	راضیه میبدی	۱۳۹۱
۱۲	ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در ارتباط با استطاعت مالی خانوارهای کم درآمد شهری در ایران (مطالعه موردی: شهر ارومیه)	اصغر عابدینی	۱۳۹۲
۱۳	الگوی برای ارزیابی خط مشی‌های عمومی در ایران (مطالعه خط مشی مالیات بر ارزش افزوده)	رضا واعظی و محسن محمدی	۱۳۹۶
۱۴	Sustainable economic development and the environment	Thamir M. Salih	۲۰۰۳
۱۵	Sound Governance	Ali Farazmand	۲۰۰۴
۱۶	Setting Weights for aggregate Indices: An Application to the Commitment to Development Index and Human Development Index	SHYAMAL CHOWDHURY	۲۰۰۶
۱۷	Modelling regional economic development	Branko Blaz evic	۲۰۰۶
۱۸	Knowledge-driven development indicators: still an eclectic panorama	Katia Passerini	۲۰۰۷
۱۹	Redefining Maori economic development	John O'Sullivan	۲۰۰۸
۲۰	The human development index as criterion for optimal planning	Merwan Engineer	۲۰۰۸
۲۱	Economic development and environmental quality: an econometric study in India	Geetilaxmi Mohapatra and A.K. Giri	۲۰۰۸



ردیف	عنوان تحقیق	مؤلفان	سال
۲۲	Policy success, policy failure and grey areas in-between	McConnell, A	۲۰۱۰
۲۳	GNP and beyond: searching for new development indicators - a view in retrospect	Udo E. Simonis	۲۰۱۱
۲۴	Sustainability and human development: A proposal for a sustainability adjusted human development index	José PINEDA	۲۰۱۲
۲۵	Measuring Policy Success: Case Studies from Canada and Australia	Joshua Newman	۲۰۱۴

همانگونه که در مرور پیشینه‌ی تحقیق مشخص است، عمده پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه ارزشیابی خط‌مشی در سطوح خرد و میانی است، به گونه‌ای که در سطح خرد از آن با عنوان ارزشیابی برنامه یاد می‌شود و در ارزیابی میانی، عمدتاً معطوف به ارزشیابی‌های بخشی و موضوعی نظیر محیط‌زیست، بهداشت و درمان، زنان و خانواده و ... می‌باشد. هم‌چنین برخی تحقیقات بر روی تحلیل خط‌مشی متمرکز هستند که بر این اساس، مجبور به محدود شدن در قالب یک موضوع می‌باشند. بر این اساس به اعتقاد پژوهشگران، حلقه‌ی مفقوده‌ی تحقیقات موجود نگاه کلان و جامع جهت ارزشیابی کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. هم‌چنین حلقه‌ی مفقوده‌ی دیگری که این تحقیق بر آن است مقداری از خلاء آن را جبران نماید، رجوع به منابع اسلامی و سخنان رهبری است که منبعی غنی و به‌جا جهت بنیان نهادن الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است.

#### ۴. ملاحظات نظری

##### الف- تعریف مفاهیم

پژوهش درباره‌ی خط‌مشی و به‌ویژه ارزشیابی خط‌مشی با چالش‌های زیادی مواجه است. گرچه ارزشیابی عمدتاً در برابر Evaluation به کار می‌رود، اما استفاده از Assessment به مثابه مترادف آن رواج دارد. کاربست این مفاهیم در زبان فارسی، در قالب اصطلاحات «ارزشیابی» و «ارزیابی» متداول شده است. برخی آن‌ها را دو اصطلاح متفاوت انگاشته و

برآند که ارزشیابی<sup>۱</sup> درصدد فهم ارزش یک خط‌مشی یا برنامه است و ارزیابی<sup>۲</sup> در سطحی خردتر و وسعتی کم‌تر، درصدد ارزیابی کمی یک برنامه و عملکرد است. البته به نظر می‌آید که آگاهی نسبت به تفاوت معنایی این دو واژه، در همه‌ی متون علمی رعایت نشده است و برخی متون آگاهانه و یا ناآگاهانه، این دو را معادل یکدیگر قرار داده‌اند (Rossi, et al, 1999). در پژوهش حاضر، پژوهشگران بر واژه‌ی «ارزشیابی» تأکید دارند.

این اشتراک معنوی و تکرر واژگان در خصوص اصطلاحات «ارزشیابی خط‌مشی<sup>۳</sup>» و «ارزشیابی برنامه<sup>۴</sup>» و البته تا حدودی «ارزشیابی پروژه<sup>۵</sup>» نیز صادق است. در این خصوص باید گفت که ممکن است این واژگان از حیث دامنه‌ی ارزشیابی با یکدیگر تفاوت داشته باشند، اما عموماً از روش‌ها و مدل‌های مشابهی بهره می‌گیرند (امامی میبیدی، ۱۳۹۱).

با این حال می‌توان گفت تمایز خط‌مشی، برنامه و پروژه چندان شفاف نیست. این امر شاید به مقوله‌ی آلودگی زبانی شدت یافته در مقوله‌های میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای برگردد (پورعزت، ۱۳۸۷). به هر حال، این وضع مختص زبان فارسی نیست و عمومیت دارد؛ به گونه‌ای که لانگبین<sup>۶</sup> و فلینگر<sup>۷</sup>، با ذکر نمونه‌هایی نشان می‌دهند که آن‌چه در نظر یک فرد، خط‌مشی تلقی می‌شود، ممکن است برای دیگری، برنامه یا پروژه محسوب شود و لذا دیدگاه و موقعیت اجتماعی و سازمانی افراد، در این باره، اثرگذار است (Langbein and Felbinger, 2006, 4).

در این پژوهش با نظر داشت تفاوت سطوح تحلیل ارزشیابی خط‌مشی، ارزشیابی برنامه و ارزشیابی پروژه، و هم‌چنین با امعان نظر به تفاوت دورویکرد دولتی و خصوصی، سطح پژوهش در قامت ارزشیابی خط‌مشی و مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، نگه داشته خواهد شد و پژوهش در فضای عمومی، و نظر به معیارهای ارزشیابی کلان و عمومی، پی‌گرفته خواهد شد.

- 
1. Evaluation
  2. Assessment
  3. Policy Evaluation
  4. Program Evaluation
  5. Project Evaluation
  6. Laura Langbein
  7. Claire L. Felbinger

## • تعریف ارزشیابی خط‌مشی

تاکنون تعاریف متعددی از ارزشیابی خط‌مشی ارائه شده‌اند؛ برای مثال، ارزشیابی خط‌مشی یعنی اطلاع درباره‌ی نتایج و پیامدهای خط‌مشی عمومی؛ تعریفی پیچیده‌تر، دال بر آن است که: «ارزشیابی خط‌مشی، ارزشیابی اثربخشی کلی برنامه‌های ملی در دستیابی به اهداف است» یا «ارزشیابی خط‌مشی، ارزشیابی اثربخشی نسبی دو برنامه یا بیشتر را در دستیابی به اهداف جاری مدنظر قرار می‌دهد» (Dye, 2013, 63).

در این پژوهش، ارزشیابی به معنای مطالعه‌ی سامان‌مند و جهت‌یافته، تلقی می‌شود تا به مخاطبان در امر تشخیص شایستگی<sup>۱</sup> و ارزش<sup>۲</sup> موضوع مورد مطالعه، کمک کند. این تعریف از ارزشیابی، به طور گسترده‌ای مورد قبول واقع شده با تعاریف رایج ارزشیابی در فرهنگ لغات تطابق دارد. این تعریف، هم‌چنین با تعریفی که در مجموعه‌ی استناداردهای حرفه‌ای برای ارزشیابی بیان شده‌اند، منطبق است (Joint Committee on Standards for Educational Evaluation, 1981, 1988, 1994).

## • موفقیت ارزشیابی

علاوه بر ابهام در واژگان ارزشیابی و خط‌مشی، مشکل دیگری که در ساحت ارزشیابی خط‌مشی بروز می‌کند و نیازمند تدقیق بیشتر است، تعریف خط‌مشی موفق<sup>۳</sup> است.

یکی از موانع ارزشیابی خط‌مشی، عدم اجماع بر مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی خط‌مشی موفق است. در دهه‌های اخیر مطالعات متعددی در خصوص ارزشیابی خط‌مشی صورت گرفته است، بدون این‌که تعریف روشنی از موفقیت خط‌مشی ارائه نمایند (e.g, May 1992; deLeon and Nagel, 2002; Palfrey et al, 1992; deLeon, 2002).

باید توجه داشت که موفقیت یا شکست، امری ذهنی است (Bovens and 't Hart, 1996; Shaw, 2000: 16-28) و لذا رسیدن به چهارچوبی واحد درباره‌ی آن‌ها، بسیار دشوار است. بحث و جدل بر سر موفقیت خط‌مشی، این نکته را مدنظر قرار می‌دهد که مدهای گوناگونی<sup>۴</sup> از موفقیت و شکست وجود دارند و خط‌مشی‌ها می‌توانند در یک زمان چند مد را تجربه کنند (Newman, 2014).

1. Merit
2. Worth
3. Successful Policy
4. Different modes

بسیاری از صاحب‌نظران، نوعی تفکیک مفهومی بین موفقیت سیاسی<sup>۱</sup> و موفقیت برنامه<sup>۲</sup> قائل شده‌اند؛ دال بر این‌که که اولی متوجه پیامدهای<sup>۳</sup> تصمیم و خط‌مشی اجرا شده و دومی مربوط به مراتب دستیابی به اهداف<sup>۴</sup> می‌باشد. مفهوم‌سازی پیش‌گفته در باره‌ی موفقیت خط‌مشی، فاصله‌ی زیادی با ارزشیابی همه‌ی جوانب خط‌مشی داشته و مشکل تفسیر ذهنی را حل نمی‌کند؛ لذا نیازمند تدقیق بیشتر است (Newman, 2014).

### • تعریفی غیرمتداول از موفقیت

نظریه پردازان خط‌مشی، طیف وسیعی از ساخت‌گرایان<sup>۵</sup> تا پوزیتویست<sup>۶</sup> ها را شامل می‌شود. بسیاری از نظریه پردازان برآنند که دستیابی به یک توافق بین‌الذهنی<sup>۷</sup>، یک هدف غیر ممکن در ارزشیابی خط‌مشی عمومی است (e.g, Shaw, 2000)؛ چرا که ممکن است خط‌مشی‌ای فرضی که از منظر یک ارزشیاب موفق است، از منظر دیگر ارزشیابان در سویی دیگر یک پیوستار، ناموفق ارزیابی شود. در این میان، افرادی چون ساندرسون<sup>۸</sup> (2002) معتقدند که اقتصادسنجی و روش‌های آماری، ممکن است در یک رویکرد خردگرا و تجربی، امکان ارزشیابی ورودی‌ها و خروجی‌های خط‌مشی را فراهم آورند (Sanderson, 2002).

با وجود این، معمولاً هدف ارزشیابی خط‌مشی، پیشنهاد بهبود و توصیه به اختتام (Howlett et al, 2009: 178) یا در برخی موارد، تعدیل وضع موجود است. بدون اتفاق نظر بر عوامل شکل‌دهنده‌ی موفقیت، پیشنهاد بهبودها و بدیل‌ها، یا تعدیل خط‌مشی‌های موجود دشوار است. افرادی که بر رویکرد خردگرا در ارزشیابی خط‌مشی تأکید دارند، بهره‌گیری از الگوهای موفق و استناداردها را مدنظر قرار می‌دهند، اما ارزشیابی خط‌مشی نمی‌تواند به صورت کاملاً علمی انجام پذیرد، زیرا می‌بایست عدم انعطاف روش‌شناسی را با نیازهای منحصر به فرد در بافت‌های خاص سیاسی و اجتماعی، تعدیل کند. بر این اساس، الگوهای جهان‌شمول برای موفقیت

1. Political Success
2. Program Success
3. Outcomes
4. achievement of objectives
5. constructivist
6. positivist
7. Intersubjectivity
8. Sanderson

خط‌مشی، به سختی قابل تعریف‌اند (Newman, 2014).

رویکرد غالب در میان دانش‌گاهیان آن است که ارزشیابی خط‌مشی را حداقل در قالب درس‌های مثبت و منفی مد نظر قرار داده، هرچند محدودیت خطاها و انحرافات زمینه‌ای (نظیر نهادهای محلی، خط‌مشی‌های‌های حزبی، فرهنگ سیاسی، مؤسسه‌های سیاسی و نظایر آن)، راه را برای چنین رویکردی دشوار می‌کند (Lodge 2003: 161). به نظر می‌آید که به جای پی‌گیری بهترین تجربه و کشف یک اصل موفق جهان‌شمول، بهتر است مترصد دستیابی به نتیجه از طریق تجربه‌ی هوشمند<sup>۱</sup> (Bardach 1998) یا تجربه‌ی حکیمانه<sup>۲</sup> (Davis 1997) یا درس‌آموزی<sup>۳</sup> (Rose 1993)، باشیم. بنابراین، فراگرد ارزشیابی خط‌مشی یک عمل تعادل‌بخش است که باید چندین عامل رقیب تجربی و تفسیری را هم‌ساز کند (Newman, 2014).

با ملاحظه‌ی این نکات، به نظر می‌رسد مفروض گرفتن یک تعریف از موفقیت خط‌مشی، کافی نباشد؛ چرا که همه‌ی ارزشیابی‌های خط‌مشی، کارکردهای درس‌های برآمده از رویکرد ابزاری به خط‌مشی و بافت‌های ذهنی سیاسی را هم‌زمان در بر خواهند داشت، بنابراین برای آن‌که یک چارچوب خط‌مشی کاملاً مفید باشد، می‌بایست علاوه بر توصیف آنچه موفقیت خط‌مشی را شکل می‌دهد، به طور خاص مشخص کند که موفقیت، برای چه کسانی موفقیت محسوب می‌شود (McConnell, 2010b: 82). به دیگر سخن، یک چهارچوب مفید، موفقیت خط‌مشی را در یک قالب عینی صرف، بیان نمی‌کند (که در این صورت در نظر دیگر ناظران، حالتی بی‌معنی خواهد داشت)؛ بلکه یک چارچوب مفید، موفقیت را در قالب گزاره‌های گروه‌هایی که از یک خط‌مشی خاص نفع می‌برند یا از آن متضرر می‌شوند، شکل می‌دهد.

در واقع، یک چارچوب مفید، علاوه بر ملاحظه‌ی یادگیری عقلانی و بافت‌های ذهنی، باید بخش‌هایی از فراگرد خط‌مشی را که می‌خواهد ارزشیابی شود، مشخص کند. بسیاری از نویسندگان، ارزشیابی را از منظر رویکرد بالا به پایین و رویکرد پایین به بالا توصیف کرده‌اند. در رویکرد بالا به پایین، تعیین‌کننده‌ی موفقیت، اهداف بیان‌شده بوده، در رویکرد پایین به بالا، تعیین‌کننده‌ی موفقیت، پیامدهایی است که توسط عامه‌ی مردم درک شده‌اند (Newman, 2014).

1. 'smart' practice
2. 'wise' practice
3. 'lesson-learning'

باید توجه داشت که فقط اهداف خط‌مشی و پیامدهای درک شده توسط مردم نیز نمی‌توانند، عواملان منحصر به فرد تعیین موفقیت یا شکست خط‌مشی عمومی محسوب شوند؛ زیرا باید عواملی هم چون تبدیل خط‌مشی‌ها به برنامه‌های عملیاتی برای عموم<sup>۱</sup>، عوارض منفی<sup>۲</sup> مرتبط با خط‌مشی خاص، مقبولیت عمومی، پیامدهای سیاسی و انتخابی خط‌مشی برای سیاستمداران خاص یا دولت‌ها یا احزاب، مد نظر باشند، زیرا ارزشیابی خط‌مشی، به طور جامع، همه‌ی موارد فوق‌الذکر را شامل می‌شود (Newman, 2014).

فقدان تعریف واضح از موفقیت در خط‌مشی پژوهی، به این معناست که نمی‌توان ادعاهای ارزشیابان خط‌مشی را به طور کامل تایید یا رد کرد. برخی همانند شاو<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، ارزش پولی<sup>۴</sup> را برای اندازه‌گیری کارایی معرفی می‌کنند و یا دلنون<sup>۵</sup> (۲۰۰۲)، واژه‌ی «خط‌مشی بهتر<sup>۶</sup>» و «موفقیت خط‌مشی<sup>۷</sup>» را برای بررسی میزان موفقیت در اجرا به کار می‌گیرد، ولی این واژگان هنوز مبهم‌اند. حتی وجود یک شاخص یا نمای کلی درباره‌ی اینکه «کدام خط‌مشی‌ها یا راهبردهای اجرایی بهتر از بقیه‌اند یا موفق‌تر به نظر می‌رسند»، تا حد زیادی مفید خواهد بود (Newman, 2014).

### ب) چارچوب مفهومی اولیه

کیر<sup>۸</sup> (۱۹۷۶)، تلاش اولیه‌ای را برای تدوین یک چارچوب ارزشیابی خط‌مشی انجام داده است. وی انواع حالات موفقیت و شکست خط‌مشی را در سه دسته تقسیم‌بندی کرده است: دستیابی به هدف<sup>۹</sup>، اجرا<sup>۱۰</sup>، و توجیه‌هنجاری<sup>۱۱</sup>. مطابق پیشنهاد او، خط‌مشی، هنگامی که نمی‌تواند به اهدافش دست پیدا کند

1. working public programs
2. negative externalities
3. Shaw
4. value for money
5. Deleon-2002
6. better policy
7. policy success
8. Kerr
9. goal attainment
10. implementation
11. normative justification

یا هنگامی که نمی‌تواند اجرا شود یا هنگامی که از لحاظ اخلاقی، غیر قابل توجه جلوه کند، شکست خورده است! بر این اساس، موفقیت خط‌مشی، در قالب عبارتی معکوس، این‌گونه تعریف می‌شود؛ خط‌مشی‌ای که شکست نمی‌خورد موفق است (Kerr, 1976, 362).

وی نقطه‌ی شروعی مفیدی را برای تحلیل موفقیت مد نظر قرار می‌دهد، اما چارچوب او، الزاماتی را که در بخش قبلی بیان شد، در بر نمی‌گیرد. او از بخش‌های بسیاری از جمله فراگرد خط‌مشی‌گذاری نظیر فراگرد تبدیل اهداف خط‌مشی به خدمات‌رسانی (به مردم) غفلت کرده است. مضاف بر این‌که به علت تمرکز بر اموری قطعی نظیر تعریف خط‌مشی موفق، چارچوب او نمی‌تواند در قالب توجیه‌پذیری هنجاری خط‌مشی (Kerr, 1976, 361)، نحوه‌ی مراد به روکردهای متفاوت سیاسی را مدیریت کند، ضمن این‌که چارچوب پیشنهادی او، ارتباطات بین تدوین و اجرا را نادیده می‌گیرد (Newman, 2014).

بوونس<sup>۱</sup> و همکارانش نیز یک چارچوب ارتقاء یافته را برای موفقیت خط‌مشی ارائه کرده‌اند که خط‌مشی‌ها را به دو بخش فراگرد و پیامد<sup>۲</sup> (برای تجزیه و تحلیل) تقسیم می‌کند. هر کدام از این دو بخش، دو بعد دارند. بعد برنامه‌ای<sup>۳</sup> که ناظر به ذات و ماهیت اصلی فراگرد یا پیامد خط‌مشی است و بعد سیاسی که مرتبط با مقبولیت عمومی، پویایی‌های جانبدارانه<sup>۴</sup> و موفقیت انتخاباتی فعالان سیاسی است. بنابراین، خط‌مشی‌های عمومی چهار مقوله برای ارزشیابی خواهند داشت که در جدول زیر آمده‌اند (Bovens et al, 2001; Bovens 2010).

جدول ۲. چارچوب بوونس برای ارزیابی خط‌مشی

سیاسی	برنامه‌ای	بُعد ماهیت
همه وجوه سیاسی مرحله تدوین خط‌مشی را در بر می‌گیرد؛ از جمله به مقبولیت عمومی و پویایی‌های جانبدارانه می‌پردازد.	تبدیل اهداف خط‌مشی به ابزارهای خط‌مشی را مدنظر قرار می‌دهد.	فراگرد
اثرات توزیعی و پیامدهای سیاسی را مد نظر قرار می‌دهد.	با ماهیت و ذات اجرای خط‌مشی مرتبط است (مراتب دستیابی به اهداف حقیقی را مدنظر قرار می‌دهد).	پیامد

(Adapted Bovens, 2010)

1. Bovens
2. process
3. programmatic
4. partisan dynamics

این آرایش، دو ضعف عمده دارد؛ اول اینکه تمایز بین فراگرد-برنامه‌ای و فراگرد-سیاسی روشن نیست تا بتوان بررسی مستقلی را درباره‌ی هر کدام از آن‌ها انجام داد. اگر قانونی بدون تغییرات زیاد تصویب گردد و خط‌مشی مطابق منویات پیشنهاد دهندگان تصویب شود، در آن صورت، بوونس این را موفقیت فراگرد-برنامه‌ای می‌نامد؛ در حالی که این تصویب بدون تغییر، ممکن است حاصل عوامل دیگری نظیر کنترل بر فراگرد قانون‌گذاری یا حمایت از ائتلاف‌های سیاسی باشد (که در شمار پویایی‌های سیاسی تحلیل می‌شوند). نکته‌ی دوم این که نمی‌توان پیامدهای برنامه‌ای را از پیامدهای سیاسی متمایز ساخت.

نکته‌ی دیگری که جلب توجه می‌کند این است که در صورت ایجاد چارچوب، باید کلیه‌ی وجوه خط‌مشی عمومی را جدا کرده، بتوان با هر عرصه‌ی خط‌مشی، به‌طور جداگانه مواجه شد تا ارزشیابی ممکن باشد.

دیوید مارش<sup>۱</sup> و آلان مک‌کانل<sup>۲</sup> فعالیت خط‌مشی‌گذاری را به سه مقوله تقسیم می‌کنند: فراگرد، برنامه<sup>۳</sup> و سیاست. این طبقه‌بندی، جداسازی مصداق موفقیت یا شکست خط‌مشی را در قالب هریک از این مقوله‌ها ممکن می‌سازد. بدین ترتیب که مقوله‌ی برنامه به «دستیابی به هدف»، مقوله‌ی سیاست به «پیامدهای سیاسی خط‌مشی»، و مقوله‌ی «فراگرد» به ارتباطات بین این دو می‌پردازد. چارچوب بالا، اهمیت بین اهداف و نتایج را از طریق فراگردها، به منزله‌ی یک مقوله‌ی جداگانه مدنظر قرار می‌دهد. البته بوونس نیز به اهمیت این ارتباط اشاره می‌کند، ولی فراگرد خط‌مشی را به گونه‌ای جدا نمی‌سازد که بتوان آن‌را به‌طور شفاف ارزشیابی کرد (McConnell 2010a, 2010b).

البته چارچوب مارش و مک‌کانل، دلالت‌های توزیعی خط‌مشی را به منزله‌ی جزئی مجزا در نظر نگرفته است، بلکه این دلالت‌ها را در داخل مقوله‌ی برنامه دیده است؛ بنابراین، در این چارچوب، دستیابی به اهداف (این که اهداف بیان شده، تحقق یافته‌اند یا خیر) و خروجی‌های توزیعی جامعه‌ی هدف (کدام گروه‌ها در نهایت چگونه و چه میزان، از خط‌مشی سود می‌برند) هم‌زمان ارزشیابی شده‌اند. هرچند که این‌ها شاخص‌های مجزایی برای سنجش موفقیت

1. David Marsh

2. Allan McConnell

3. Program



هستند و باید جداگانه ارزشیابی شوند (Newman, 2014). نیومن<sup>۱</sup>، چارچوب پیش‌گفته را با در نظرگرفتن چهار مقوله به جای سه مقوله، ارتقاء داد: یک) دستیابی به اهداف (مقداری که اهداف به دست آمده‌اند)؛ دو) فراگرد (تبدیل بیانی‌های خط‌مشی به ابزارهای خط‌مشی)؛ سه) پیامدهای توزیعی<sup>۲</sup>؛ چهار) پیامدهای سیاسی.

پیامدهای توزیعی توسط دولت، گروه‌های اپوزسیون، حزب‌های سیاسی و رجال سیاسی، برای بازیگران و گروه‌های غیررسمی سیاسی ارزشیابی می‌شود، ضمن این‌که پیامدهای سیاسی نیز به طور جداگانه برای همین‌گروه‌ها قابل بررسی است.

این تمایز اخیر بسیار مهم است، زیرا پیامدهای سیاسی‌ای که بر دولت‌ها و احزاب اثرگذار است، به صورت عینی‌تری، از طریق انتخابات و نظرسنجی‌ها قابل سنجش است. در حالیکه پیامدهای توزیعی، به مقدار بیشتری، موضوع مجادله‌ها و تفسیرهای ذهنی‌اند. هرچند که نتیجه انتخابات را نمی‌توان صرفاً به یک خط‌مشی نسبت داد، ولی در عین حال می‌توان اشاره کرد که خط‌مشی‌های دولتی بر چنین پیامدهایی تأثیر دارند.

جدول ۳. چهار مقوله ارزشیابی خط‌مشی

مقوله / شاخص	فراگرد	دستیابی به اهداف	پیامدهای توزیعی	پیامدهای سیاسی
نشانگر موفقیت	آیا خط‌مشی عمومی، به قانون حقیقی یا برنامه عمومی تبدیل شده است؟	اهداف بیان شده‌ی خط‌مشی به دست آمده‌اند.	کدام گروه‌ها از خط‌مشی خاص، به میزان مشخصی، نفع می‌برند؟	بازیگران سیاسی، چگونه از واکنش عمومی به یک خط‌مشی و ادراک آن، نفع می‌برند؟
اهمیت	متصل کردن درون‌دادهای خط‌مشی به برون‌دادها	تضمین رویکرد بالا به پایین در تدوین و اجرای خط‌مشی	تضمین رویکرد پایین به بالا در اجرای خط‌مشی	مسئول ماهیت چرخه‌ای فراگرد خط‌مشی
معیار	ممکن است درون‌دادها و برون‌دادها، بر طبق یک معیار، ارزشیابی نشده باشد.	ممکن است اهداف نامشخص، بیان نشده، یا اشتباهی معرفی شده باشند. ممکن است اهداف دوربرد با کوتاه‌برد متفاوت باشند.	با توجه به ذهنی بودن ماهیت منفعت گروه‌ها، موفقیت باید برحسب موفقیت کدامیک تعریف شود؟	ممکن است یک بعد زمانی مهم در فهم آن دسته از پیامدهای سیاسی که می‌توانند ارزشیابی را در کوتاه‌برد مدت مبهم جلوه دهند، وجود داشته باشد.

(Newman, 2014)

1. Newman
2. distributional outcomes

بنابراین در کل، ارزشیابی‌های بخش‌بندی شده از بیانیه‌های جهان‌شمول موفقیت و شکست خط‌مشی، آموزنده‌تر خواهند بود، زیرا ممکن است یک خط‌مشی، به طور همزمان در برخی نواحی موفق و در برخی دیگر با شکست مواجه شود. با در نظر گرفتن مقوله‌ی پیامدهای توزیعی خط‌مشی، می‌توان تحلیل و ارزشیابی بخش‌بندی شده را تقویت کرد و مشخص کرد که چه کسانی از این خط‌مشی‌ها، منتفع شده‌اند و چه کسانی ضرر کرده‌اند. بنابراین چهارچوب ارائه شده توسط نیومن (جدول ۳)، چهارچوب اولیه مختار این پژوهش خواهد بود.

پیش از ورود به روش‌شناسی، لازم است به این نکته اشاره شود که پژوهش حاضر را سؤال از چیستی موفقیت حکومت و به تبع آن چیستی شاخص‌های ارزشیابی موفقیت آن هدایت کرده است. پژوهشگران در جریان پژوهش، ضمن رجوع به منابعی متقن، فهم و برداشت خود از منابع را مبراً از لغزش ندانسته، به خبرگان آشنا به این منابع رجوع کردند تا به فهمی مشترک در خصوص موضوع پژوهش دست یابند.

## ۵. روش پژوهش

این پژوهش از این حیث که درصدد توسعه‌ی دانش کاربردی در زمینه‌ی ارزشیابی خط‌مشی عمومی است، در زمره‌ی پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد. منابع پژوهش حاضر، ادبیات موضوع مرتبط و بیانات آیت الله خامنه‌ای بوده، پژوهش با بهره‌گیری از سنجه‌های غیرواکنشی<sup>۱</sup> (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱، ۲۰۳) و از نوع متون گسترده (Charmaz, 2006, 35)<sup>۲</sup> انجام شده است؛ ضمن اینکه با کاربست نمونه‌گیری نظری<sup>۳</sup>، تلاش شده است تا هر یک از واحدهای تحلیل بر مبنای سهم بالقوه آن‌ها در توسعه، اشباع<sup>۴</sup> و آزمون سازه‌های نظری مورد استفاده قرار گیرد (Charmaz, 2000, 519).

پس از گذر از داده‌یابی و در مرحله‌ی داده‌کاوی، ابتدا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۰۹)، نظر به مفهوم «موفقیت خط‌مشی»، در ادبیات

1. Nonreactive Measures
2. Extant texts
3. Theoretical Sampling
4. Saturation

موجود جستجو شده، سامانه‌ای اولیه از مقوله‌های پیشین در قالب چهارچوب نیومن برای ارزشیابی موفقیت خط‌مشی به عنوان چارچوب انتخاب گردید، پس از آن، از طریق کاربست روش تحلیل مضمون که یکی از روش‌های پایه‌ای و کارآمد تحلیل کیفی است (Braun & Clarke, 2006, 78)، به بیانات آیت الله خامنه‌ای رجوع شد و جوانب و ابعاد گوناگون الگوی ارزشیابی خط‌مشی، در قالب رویکرد استقرایی (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۰۹) تبیین گردید. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (Braun & Clarke, 2006, 78)؛ این روش، متضمن طراحی مجموعه‌ای سامان‌مند از گزاره‌های منطقی است که از هرگونه تناقض، ناسازگاری و تکرار مبرا باشد و بتواند مختصات اصلی سیستم علمی یا مفهومی مورد نظر پژوهشگر را وصف کند؛ بنابراین، از مجموعه‌ی بیانات مقام معظم رهبری، به مثابه‌ی مبنایی برای بازپردازی نظری «مختصات خط‌مشی عمومی موفق» استفاده گردید.

پژوهش‌گران راهبردهای گوناگونی را در خصوص اعتباریابی یافته‌های به‌دست‌آمده به کار گرفتند، نخست این‌که ماهیت این پژوهش، صورتی خطی<sup>۱</sup> نداشته، بلکه متأثر از طرح روش کیفی نظریه‌ی زمینه‌ای، به صورت دورانی<sup>۲</sup>، مارپیچی<sup>۳</sup> و در حال شدن<sup>۴</sup> (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱، ۳۱۴) اجرا شده است. بر این اساس، به دلیل بهره‌گیری از روش مقایسه‌های مستمر<sup>۵</sup> (Charmaz, 2006, 54)، ضمن اعتباربخشی به سازگاری مدل انتخابی حاصل از رویکرد قیاسی با مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از رویکرد استقرایی، اعتبار کیفیت فراگرد اجرای پژوهش نیز تضمین گردید.

در طی این مسیر و در جهت تحلیل و بازبینی کدهای اولیه از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد و در نهایت ۱۲۶ مؤلفه مورد اجماع قرار گرفت که در قالب چهار مضمون کلی، پیامدهای سیاسی (۲۷ مؤلفه)، پیامدهای توزیعی (۱۶ مؤلفه)، فراگرد (۳۱ مؤلفه)، و اهداف (۵۲ مؤلفه)، دسته‌بندی شده است.

1. Linear
2. Cyclical
3. Spiral
4. Becoming
5. Constant Comparison

جدول ۴. نمونه‌ای از مسیر طی شده و گزاره‌های حاصل شده از روش تحلیل مضمون

مضمون اصلی	مضمون فرعی	منبع (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای)	برخی از گزاره‌های استخراج شده
استقلال	استقلال فرهنگی	۱۳۸۵/۶/۲۵	امروز استقلال فرهنگی در این کشور، روز به روز در حال پیشرفت است و خودباوری فرهنگی بیشتر می‌شود.
		۱۳۸۸/۶/۱۴	ما باید به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه-شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیق‌تر و دشوارتر است- برویم.
	استقلال اقتصادی	۱۳۹۱/۲/۱۰	استقلال اقتصادی یک کشور، یعنی در مسئله اقتصاد بتواند خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد.
		۱۳۹۲/۱۱/۲۸	آرمان‌های ایجابی ما عبارت بوده است از اینکه: ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی می‌دانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته‌ی به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم؛ ...
	استقلال علمی	۱۳۸۴/۱/۳۰	برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، ...
		۱۳۸۹/۹/۱۰	در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نیاپستگی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید؛ ... نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن.
	استقلال سیاسی	۱۳۷۲/۲/۱۵	استقلال سیاسی، یعنی این‌که امروز کسانی بر این مملکت حکومت می‌کنند که مردم می‌خواهند.
		۱۳۸۸/۳/۱۴	عزت ملت در سیاست‌های گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولت‌ها و قدرت‌ها، این است که از استقلال رای برخوردار باشد.

همچنین در انتهای پژوهش، اعتباریابی یافته‌ها با کاربست روش دلفی فازی، انجام پذیرفت، زیرا روش سنتی دلفی، همواره با کژکارکردهای هم‌گرایی پایین آراء متخصصان، هزینه‌ی اجرایی بالا و احتمال حذف آرای برخی از خبرگان، قرین بوده است. موری<sup>۱</sup> و همکاران برای بهبود روش دلفی سنتی، مفهوم یکپارچه‌سازی روش دلفی سنتی با نظریه‌ی فازی را در سال ۱۹۸۵ ارائه دادند

(Hsu & Yang, 2000). ایشیکاوا<sup>۱</sup> و همکاران، کاربرد نظریه‌ی فازی را در روش دلفی بیش‌تر معرفی کردند و الگوریتم یکپارچه‌سازی فازی را ابداع نمودند. پس از آن‌ها، سو و یانگ عدد فازی مثلثی را برای در برگرفتن و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند (Hsu & Yang, 2000). روش نمونه‌گیری ما در روش دلفی فازی، روش گلوله برفی<sup>۲</sup> (Patton, 2001, 230) بوده است که در طی آن، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و راهبردی بوده، خبرگان بر اساس موضوع پژوهش و اهداف آن، انتخاب شده‌اند؛ خبرگانی آشنا به اندیشه‌ی آیت الله خامنه‌ای، مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی.

به منظور تعیین پایایی آزمون، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که در نتیجه، ضرایب آلفای به دست آمده برای تک تک متغیرها و ابعاد محاسبه شده، بزرگ‌تر از  $0/7$  بوده ( $8/4$ )، به طوری که می‌توان ادعا کرد پرسشنامه‌ی مورد استفاده، از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده است. پژوهش حاضر، از روش دلفی پیشنهادی ایشیکاوا (۱۹۹۳) که از رایج‌ترین دلفی فازی‌های مورد استفاده در سطح بین‌المللی است، بهره برده است.

## ۶. یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، در نهایت به ۱۲۶ مؤلفه در قالب ۴ مضمون اصلی پیامدهای سیاسی (۲۷ مؤلفه)، پیامدهای توزیعی (۱۶ مؤلفه)، فراگرد (۳۱ مؤلفه)، و دستیابی به اهداف (۵۲ مؤلفه)، منجر شد که از طریق روش دلفی فازی مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

### • الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی بر مبنای دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

در مسیر رونمایی از الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران از منظر آیت الله خامنه‌ای، نخست باید توجه داشت که در این پژوهش، رویکرد به کشور، کل نگر و سامان‌مند است و بر این اساس از جزءنگری پرهیز شده است. در امتداد همین رویکرد، این جمله‌ی رهبر انقلاب در تبیین کارآمدی نظام مدنظر قرار می‌گیرد: «کارآمدی نظام، غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰). هم‌چنین باید، بدین نکته توجه داشت که تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از موفقیت و شکست

1. Ishikawa

2. Sonwball Sampling

خط‌مشی وجود دارد و در نتیجه، در یک زمان می‌توان به یک خط‌مشی واحد و یا مجموعه‌ای از خط‌مشی‌هایی که مد نظر پژوهش حاضر است، برچسب‌های موفق و ناموفق را توأمان الصاق کرد. در همین راستا، مک‌کانل (۲۰۱۵) نیز بر آنست که زندگی سیاسی افراد و در نتیجه نوع نگاهشان، متأثر از مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی است (McConnell, 2015). بر همین اساس است که رهبری، مفاهیم هنجاری نظیر مطلوب و نامطلوب، خوب و بد، کارآمد و ناکارآمد و موفق و ناموفق را متأثر از مبانی معرفتی دانسته، در نتیجه در هندسه معرفتی اسلام ناب، بسیاری از موفقیت‌های کشورهای به ظاهر پیش‌رو را موفقیت نمی‌دانند:

«مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی، تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است... مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع، مطلوب است یا نامطلوب، عادلانه است یا غیرعادلانه» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

پژوهش حاضر نظر به نکته‌ی فوق‌الذکر، در صدد کاربست مدل موفقیت خط‌مشی نیومن، جهت استخراج الگوی ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی مبتنی بر اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است. پژوهشگران با آگاهی از ارزش‌های نهفته در هرگونه برساخته‌ی بشری و از جمله مدل‌های ذهنی، مدل نیومن را مبتلا به حداقل کژکارکردها تشخیص داده، به دلایل ذیل مرجح دانسته‌اند: الف) آگاهی ارائه‌دهندگان مدل به ذهنی بودن مفاهیم موفقیت و شکست و در نتیجه اذعان به ارزش مدار بودن آن‌ها،

ب) ارائه‌ی مدل ساختاری در عوض مدل محتوایی، با ابتنا بر پیش‌فرض ارزش‌مداری مفاهیم؛ برای نمونه، در مدل نیومن فقط بر مؤلفه‌ی دستیابی به اهداف تأکید شده، به محتوای آن و چستی اهداف پرداخته نشده است.

به طور خلاصه، مدل‌نهایی این پژوهش بر مبنای راهبردهای زیر توسعه خواهد یافت: الف) کاربست رویکرد سیستمی، سامان‌مند و کل‌نگر، در عوض رویکرد جزء‌نگر و بخشی، ب) پذیرش مبانی معرفتی و ارزشی و بهره‌مندی از آن‌ها در جهت ارائه‌ی مدل بومی و ج) اخذ مدل اولیه‌ی ساختاری از ادبیات موضوع و استنباط محتوا و ارائه‌ی مدل‌نهایی از منابع بومی پژوهش.

بر این اساس، در ادامه سعی بر این بوده است تا با نظرداشت مدل نیومن، مدلی اسلامی ایرانی، بر اساس آرا رهبر معظم انقلاب جهت ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی ارائه شود. با توجه به مباحث فوق‌الذکر، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای تصدی مقام رهبری تا سال ۱۳۹۷ به دقت مطالعه و ۴۸۷۷ مفهوم در مرحله‌ی کدگذاری باز شناسایی گردید، پس از آن و در مرحله‌ی کدگذاری متمرکز، ۱۲۶ مضمون فرعی استخراج گردیده و در نهایت، بیانات ایشان در قالب چهار مقوله‌ی کلی پیامدهای سیاسی، پیامدهای توزیعی، اهداف، و فراگرد دسته‌بندی گردید. باید توجه داشت که در عین قربات و اشتراک لفظی، مقوله‌های نهایی با مقوله‌های پیشنهادی نیومن، در اغلب موارد، معانی کاملاً متفاوتی از مقولات نهایی با بهره‌گیری از مفاهیم مستخرج از بیانات رهبری ارائه شده است.

#### • شاخص‌ها و مؤلفه‌ها

۱. پیامدهای سیاسی: نیومن، پیامدهای سیاسی را در رأی‌آوری مجدد دولت‌ها، متجلی می‌داند (Newman, 2014). در پژوهش حاضر به دلیل وسعت تحلیل و سطح تحلیل سامان‌مند از کلیت نظام و نه صرفاً یکی از قوا، پیامدهای سیاسی به مقبولیت نظام در سطح ملی و بین‌المللی اشعار خواهد داشت؛ طبیعتاً مقبولیت نظام در سطح ملی، در اعتماد و مشارکت‌های مردم در عرصه‌های گوناگون جامعه متجلی خواهد شد. در سطح جهانی، ترجیح جمهوری اسلامی ایران (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۷) و راهبرد آن، مبتنی بر نفوذ معنوی و مقبولیت بین مردم جهان است و مقبولیت مردمی بر مقبولیت در بین حاکمان و نخبگان سیاسی جهان، ارجح است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷). بنا بر نظر رهبری انقلاب: «مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه‌ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی‌خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴).

«ما از اول گفته‌ایم که وجهی انقلاب (یعنی آن بخش نمادین و چهره‌ی بیرونی انقلاب) چهره‌ی فرهنگی است؛ سیاست ما هم مقهور فرهنگ ماست. ما که نخواستیم دیانت‌مان را از

سیاست جدا کنیم. فرهنگ ما، ساخته شده‌ی تاریخ و مکتب و انقلاب ماست. با این ادعای بزرگ، مردم از ما توقعات دارند. در طول چند سال گذشته، کمتر موردی بوده است که این روشنفکران معتقد و وفادار به جمهوری اسلامی، از کشورهای مختلف عربی و آسیایی بیایند و با من ملاقات کنند، الا این‌که هر کدام آمدند، بعضی نواقص را در زمینه‌ی تبلیغ فرهنگی ما گوشزد کردند!» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۲/۳).

در اندیشه‌ی رهبری، مهم‌ترین مزیت نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص جذب‌هی بین‌المللی، ارائه‌ی چهره‌ی انقلابی (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲) و استکبارستیز و ظلم‌ستیز (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۲۶) است. بر این اساس، باید توجه داشت این دو عامل، به منزله‌ی مهمترین عوامل رشد و ارتقاء گفتمان انقلاب اسلامی در میان گروه هدف اصلی نظام (توده‌ی مردم)، همواره پابرجا بماند و مورد تحریف و انحراف قرار نگیرد. این رشد گفتمان، منجر به اعتلای آبروی نظام در سطح بین‌المللی (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۷) و عزت جهانی (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) خواهد شد و در نهایت نظام را در سطح جهان، به مثابه الگویی برای حکمرانی عادلانه و کارآمد، مطرح می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۲/۱۹). به ویژه، تأمل بر این سخنان رهبر انقلاب جالب توجه است: «گسترش انقلاب در میان ملت‌ها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است؛ یعنی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه می‌کنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام، پامال ظلم استکبار شده‌اند، این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴). بر اساس اصول ذکر شده در مطالب پیش گفته، پیامدهای سیاسی نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران، به شرح ذیل احصاء می‌گردد:



جدول ۵. مؤلفه‌های معرّف پیامدهای سیاسی مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	نشانگرها	مضمون‌های فرعی	مضمون اصلی
۱	میزان مشارکت در انتخابات	جذب‌دهی (ملی) مقبولیت در سطح ملی	پیامدهای سیاسی
۲	حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن		
۳	حضور در راهپیمایی روز قدس		
۴	اجرائی ساختن سیاست‌های اصل ۴۴		
۵	حضور مردم در مدیریت اقتصاد		
۶	وارد کردن سرمایه‌های مردم به اقتصاد		
۷	توسعه بخش تعاونی		
۸	توانمندسازی بخش خصوصی		
۹	حمایت از گروه‌های خودجوش مردمی		
۱۰	خیرین فرهنگی		
۱۱	شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا		
۱۲	فعالیت‌های خیرانه		
۱۳	احساس مسئولیت		
۱۴	محبوبیت بین ملل جهان	جذب‌دهی بین‌المللی	پیامدهای سیاسی
۱۵	میزان استکبار‌ستیزی و ظلم‌ستیزی ملل جهان / بیداری ملت‌ها		
۱۶	محبوبیت بین دولت‌های مستقل جهان		
۱۷	آبروی بین‌المللی نظام		
۱۸	ترویج خط و زبان فارسی		
۱۹	الگو شدن نظام		
۲۰	مرجعیت علمی		
۲۱	بیداری اسلامی		
۲۲	اسلام خواهی		
۲۳	گسترش معنویت		
۲۴	حفظ و گسترش هویت اسلامی		
۲۵	عزت بین‌المللی و منطقه‌ای		
۲۶	حفظ چهره انقلابی نظام		
۲۷	اتحاد و وحدت بین مسلمین و مستضعفین		

۲. پیامدهای توزیعی: پیامدهای توزیعی در مدل نیومن، نشانگر رضایت ذی‌نفعان یک نظام خط‌مشی‌گذاری یا یک خط‌مشی مشخص است. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران

باید با تکیه بر دعاوی حق‌گرای خود، در صدد مهار و مدیریت ذی‌نفوذان در جهت بهره‌مند ساختن ذی‌حقان باشد (پورعزت، ۱۳۹۳، ۲۲۰-۲۲۱).

با توجه به چارچوب فوق‌الذکر، سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران، موفقیت خود را در برانگیختن امید در گروه هدف (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۳) و در نتیجه ایجاد نشاط و تحرک مثبت (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۲۴) در سه سطح ملی، جهان اسلام، و جهان می‌داند. مفاهیم راهنمای پژوهشگران در شناخت گروه هدف و ذی‌حقان در اندیشه‌ی رهبری، عبارت بودند از: صاحبان انقلاب، مردم، مستضعفان، پابرهنگان، کوخ‌نشینان. بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری انقلاب، «طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ‌تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیاء نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند... پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاست‌های خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادق‌ترین و با اخلاص‌ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

البته باید به این نکته اشاره کرد که در بیانات رهبری، می‌توان به پیامدهای توزیعی دیگری نظیر ایجاد احساس عزت، کرامت، اعتماد به نفس، استکبار ستیزی، و اقتدار در بین مسلمین و مستضعفین جهان، اشاره کرد ولی با توجه به وجود مقوله‌ی اهداف در مدل نهایی و هم‌چنین تجلی همه‌ی موارد پیش‌گفته در سطح امید مردم، فقط به ارائه‌ی شاخص امید برای گروه‌های هدف اکتفا شده است.

در این خصوص، رهبر انقلاب پس از اشاره به بازگرداندن احساس عزت و شخصیت به مسلمین جهان پس از وقوع انقلاب اسلامی، مهم‌ترین کارکرد انقلاب اسلامی ایران را ایجاد انگیزش (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۷) و القای روح، نشاط، و امید به ملت‌های مسلمان و مستضعف معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

جدول ۶. مؤلفه‌های پیامدهای توزیعی، مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	نشانه‌ها	گروه هدف	مضامین فرعی	مضمون اصلی			
۱-۸	پیامدهای توزیعی	گروه مردم	موافقین گنشمان انقلاب اسلامی	پیامدهای توزیعی			
					۱	سطح امید مستضعفین جهان	مستضعفین
					۲	سطح امید مستضعفان ایران	
					۳	سطح امید مسلمین جهان	مسلمین
					۴	سطح امید مردم جهان	عامه‌ی مردم
					۵	سطح امید مردم ایران	
					۶	سطح امید جوانان ایران	جوانان
					۷	سطح امید جوانان جهان اسلام	
۸	سطح امید جوانان جهان						
۹-۱۶	پیامدهای توزیعی	خواص	موافقین گنشمان انقلاب اسلامی	پیامدهای توزیعی			
					۹	سطح امید نخبگان ایران	نخبگان
					۱۰	سطح امید علمای دین	خبرگان دینی
					۱۱	سطح امید ایثارگران و خانواده شهدا	ایثارگران و خانواده شهدا
							۱۲
					۱۳	سطح امید حکام معاند نظام	حکام معاند جهان اسلام
					۱۴	سطح امید حکام معاند نظام	حکام معاند نظام
					۱۵	سطح امید خواص معاند نظام	خواص معاند نظام
۱۶	سطح امید حکام و صهیونیست‌ها	رژیم صهیونیستی					

۳. اهداف: منظور از مقوله‌ی اهداف در مدل نیومن، اهداف بیان شده از طرف مؤسسين و مسئولین یک نظام است. این پژوهش، مشخصاً به دنبال اهداف بیان شده از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری، اهدافی را در سطوح ملی و جهانی رصد می‌کند. در سطح جهانی، نظام جمهوری اسلامی ایران مترصد بسط و تکثیر خود از طریق عرضه‌ی نما و تصویر جذاب و امیدبخش از نظام جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء نام نظام جمهوری اسلامی ایران است. به لحاظ انطباق اهداف جهانی و ملی در این بخش، از دسته‌بندی اهداف در قالب سطح

ملی و سطح جهانی اجتناب می‌شود و تنها به دسته‌بندی ابعاد فردی و اجتماعی اکتفا می‌شود. البته در سرتاسر این پژوهش، اهداف از جنس ارزش‌ها تلقی شده و حالتی سلسله‌مراتبی برای آن فرض شده است. هدف غایی نظام جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که بارها در سخنان رهبری بدان اشاره شده است، انسان‌سازی و تزکیه‌ی انسان است و باقی هدف‌ها، حالتی مقدمی برای دستیابی به این هدف دارد؛ از این هدف در جای‌جای بیانات رهبری با تعبیری چون «تحصیل رضایت الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۷)، «سعادت» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱/۲۸)، «کمال» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۲)، «نورانیت» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸)، «هدایت» (خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۳/۵)، «حیات طیبه» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۱)، «کرامت» (خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۱۰/۲)، و «متخلق شدن به اخلاق الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸)، «آرامش روحی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) یاد شده است:

«آن مسئله‌ی اساسی که در انقلاب اسلامی، هدف اعلی و والا به حساب می‌آید و می‌آید، عبارت از تزکیه‌ی انسان است. همه چیز مقدمه‌ی تزکیه و طهارت آدمی است. عدالت در جامعه و نیز حکومت اسلامی در میان اجتماعات بشری هم با این که هدف بزرگی محسوب می‌شود، ولی خود آن یک مقدمه برای تعالی و رشد انسان است که در تزکیه‌ی آدمی نهفته است. هم زندگی در این عالم - اگر بخواهد به سعادت برسد - محتاج تزکیه است، و هم درجات اخروی و معنوی، متوقف بر تزکیه است. فلاح انسان - یعنی دست یافتن انسان به مقصد اعلی - وابسته‌ی تزکیه است؛ قد افلح من تزکی؛ و ذکر اسم ربّه فصلی؛ آن کسی که تزکیه بکند، فلاح و رستگاری را به دست آورده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱).

مشخصه‌ی اصلی تمدن اسلامی به منزله‌ی هدف نهایی انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی جهت بهره‌برداری بهینه از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی در جهت سعادت انسان‌هاست؛ «این هدف نهایی نمی‌تواند چیزی کمتر از "ایجاد تمدن درخشان اسلامی" باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملتها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

هم‌چنین رهبر انقلاب در خصوص جامعه‌سازی برآند که «انقلاب اسلامی برای

قدرت‌طلبی یک گروه یا یک حزب یا یک جمعیت به وجود نیامد. انقلاب اسلامی را مردم مسلمان ایران به راه انداختند؛ هدف از این انقلاب، هم تشکیل جامعه‌ی اسلامی است و معیارها و شاخصهای عمده‌ی جامعه‌ی اسلامی هم اینهاست: جامعه‌ی برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق و برخوردار از عدالت. همه باید برای این تلاش کنند. اصولی که به آن پایبندیم، اینهاست. ارزشهایی که جامعه‌ی اسلامی برای آنها تشکیل شده است، اینهاست. آن چیزی هم که می‌تواند زندگی مادی ما را، رفاه ما را، عزت سیاسی و بین‌المللی ما را، امنیت ما را به طور کامل تأمین کند، اینهاست. همه باید تلاش کنند جامعه‌ای برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق، برخوردار از عدالت به وجود بیاورند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۰).

جدول ۷. مؤلفه‌های دستیابی به هدف، مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	نشانه‌گرها	مضمون‌های فرعی	مضمون اصلی
۱	متوکل	بیشی و ارزشی تعالی فردی	اهداف نظام خطمشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران
۲	اراده‌گرایی		
۳	اعتماد به نفس فردی		
۴	تفکر انقلابی - روحیه انقلابی		
۵	امیدواری و خوش‌بینی		
۶	علاقمند به منفعت‌عامه		
۷	تدین		
۸	روحیه ظلم‌ستیزی		
۹	تکلیف‌مداری		
۱۰	ابتکار و خلاقیت		
۱۱	نظم و انضباط		
۱۲	اخلاق الهی		
۱۳	پرسش‌گری و مطالبه‌گری		
۱۴	پرتلاش بودن		
۱۵	شجاعت		
۱۶	صبور		
۱۷	تکریم مقام زن		

اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی بنیادین	عدالت	۱۸
			امنیت	۱۹
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	شاخص‌های زمینه‌ای	استقلال	۲۰
			وحدت و اتحاد ملی، همدلی	۲۱
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	محیط زیست	مردمی بودن	۲۲
			رفع فساد	۲۳
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	بهداشت و سلامت	آزادی (فکر، بیان، تصمیم‌گیری)	۲۴
			اقتدار ملی	۲۵
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌ی اجتماعی	محیط زیست	عزت و اعتماد به نفس و کرامت ملی	۲۶
			صیانت از جنگل‌ها و منابع طبیعی	۲۷
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌ی اجتماعی	بهداشت و سلامت	صیانت از آب، خاک، هوا	۲۸
			کاهش آلودگی‌های محیطی	۲۹
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌ی علمی و فناوری	عرصه‌ی علمی و فناوری	افزایش جمعیت	۳۰
			طب سنتی و اسلامی	۳۱
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	بیمه	۳۲
			اصلاح الگوی تغذیه	۳۳
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی اقتصادی	ورزش	۳۴
			میزان رشد علم و فناوری	۳۵
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	شکستن مرزهای دانش (عزت علمی)	۳۶
			مرجعیت علمی	۳۷
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی اقتصادی	تولید علم دینی	۳۸
			رفاه (رفع فقر)	۳۹
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	عمران و آبادانی	۴۰
			میزان تولید ثروت	۴۱
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی اقتصادی	میزان تولید ملی	۴۲
			مصرف کالای داخلی	۴۳
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	پرهیز از اسراف	۴۴
			عدم اتکا به نفت- توسعه‌ی صادرات غیرنفتی	۴۵
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی اقتصادی	اتکای به توان داخلی- خوداتکایی	۴۶
			اقتصاد دانش‌بنیان	۴۷
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	سبک زندگی	۴۸
			تحکیم خانواده و تکریم مقام زن	۴۹
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی اقتصادی	تقوای اجتماعی و فضای اجتماعی عاری از گناه	۵۰
			آگاهی و بصیرت	۵۱
اهداف نظام خط‌مشی گذاری جمهوری اسلامی ایران	عرصه‌های تعالی اجتماعی	عرصه‌ی فرهنگی	انضباط اجتماعی و قانون‌مندی	۵۲

۴. فراگرد: موفقیت فراگرد، اول از همه بر پایه‌ی پابندی به اهداف خط‌مشی و ابزار خط‌مشی استوار است. دوم، رسیدن به مشروعیت از طریق پذیرش عمومی خط‌مشی‌های تولید شده است؛ به این معنی که خط‌مشی‌ها مراحل قانونی و معمولی، مانند مشاوره با ذی‌نفعان را طی کرده باشند؛ سوم، جمع کردن یک ائتلاف پایدار برای حمایت از منافع عمومی است؛ و در نهایت و چهارم، موفقیت ریشه در یک فراگرد دارد که نوآوری را تشویق کند (McConnel, 2010a).

آیت‌الله خامنه‌ای با اذعان به لزوم انعطاف و نوآوری در مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی، بر این نکته تأکید می‌کند که قید اطلاق در ولایت مطلقه‌ی فقیه و به تبع آن، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، جبران‌کننده‌ی عدم انعطاف و به تبع آن عدم نوآوری ذاتی هر قانونی است.

«من تصورم این است که بُعد مهمی از قید اطلاق که امام منضم کردند به ولایت فقیه (که در قانون اساسی اول قید «مطلقه» نبود؛ این را امام اضافه کردند) ناظر به همین است؛ یعنی انعطاف‌پذیری. دستگاه ولایت (که دستگاه عظیم ولایت، یعنی در واقع مجموعه‌ی آن دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر که در رأس رهبری قرار دارد؛ اما مجموعه، یک مجموعه است) باید بتواند به طور دائم خودش را پیش ببرد، متحول کند؛ چون تحول جزو سنت‌های زندگی انسان و تاریخ بشری است. ما اگر چنانچه خودمان تحول ایجاد نکنیم و پیش نرویم، تحول بر ما تحمیل خواهد شد؛ تحول یعنی تکمیل، پیش رفتن به سمت آن چه که درست‌تر است، آنچه که کامل‌تر است؛ یعنی آن چه را که ساختیم، ببینیم نقص‌هایش کجاست، آن را برطرف کنیم؛ ببینیم کجا کم داریم، آن را اضافه کنیم؛ این جریان بایستی ادامه پیدا کند... قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست‌کلیددار اصلی نظام وجود دارد که می‌تواند در آن جایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷).

«بعضی‌ها خیال می‌کنند که این «ولایت مطلقه‌ی فقیه» که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق‌العنان است و هر کار که دلش بخواهد، می‌تواند بکند! معنای ولایت مطلقه، این نیست. رهبری بایستی موبه‌مو، قوانین را اجرا کند و به آن‌ها احترام بگذارد. منتها در مواردی اگر مسئولان و دست‌اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است موبه‌مو عمل کنند، دچار مشکل می‌شوند، قانون بشری همین‌طور است، قانون اساسی راه‌چاره‌ای را باز کرده و گفته آن‌جایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون ... دچار مضیقه می‌شوند و هیچ‌کار نمی‌توانند بکنند، رهبری مرجع است. جاهایی هم که به‌صورت معضل مهمّ کشوری است، به مجمع

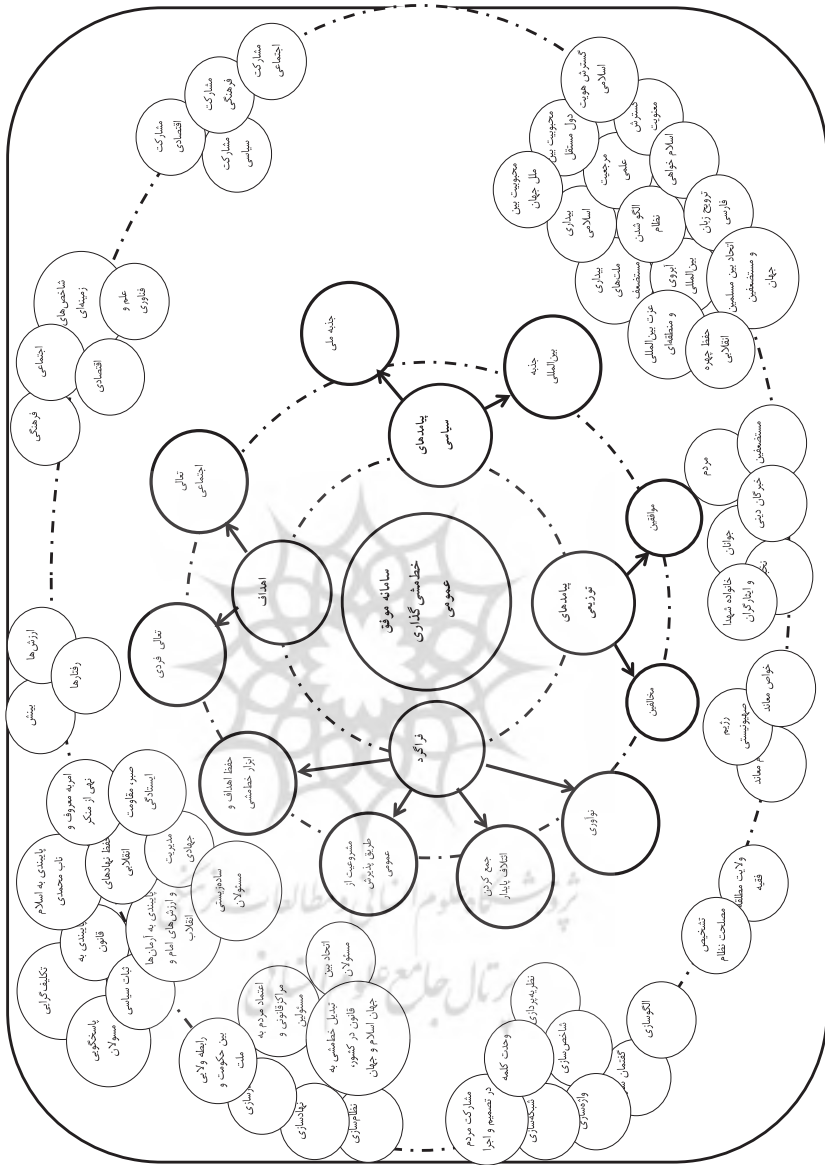
تشخیص مصلحت ارجاع می‌شود. این معنای ولایت مطلقه است، والا رهبر، رئیس جمهور، وزرا و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیمند و باید تسلیم باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

جدول ۸. مؤلفه‌های دستیابی به هدف مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	شاخص	مضمون فرعی	مضمون اصلی	
۱	ثبات سیاسی، ثبات در برنامه‌ریزی	حفظ اهداف و ابزار خط‌مشی	فراگرد	
۲	پایبندی به قانون			
۳	پایبندی به اسلام ناب محمدی			
۴	وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های امام و انقلاب			
۵	حفظ نهادهای انقلابی			
۶	ساده‌زیستی مسئولان			
۷	امر به معروف و نهی از منکر			
۸	پرسشگری و مطالبه‌گری			
۹	پاسخ‌گویی مسئولین به مردم			
۱۰	مدیریت جهادی			
۱۱	صبر، مقاومت و ایستادگی			
۱۲	تکلیف‌گرایی			مشروعیت از طریق پذیرش عمومی
۱۳	نظام‌سازی			
۱۴	نهادسازی			
۱۵	کادرسازی (انسان‌سازی)			
۱۶	رابطه‌ی ولایی بین رهبر و ملت			
۱۷	اتحاد و وحدت بین مسئولان نظام			
۱۸	اعتماد به مراکز قانونی و مسئولان			
۱۹	تبدیل خط‌مشی به قانون در کشور			
۲۰	تبدیل خط‌مشی به قانون در جهان اسلام			
۲۱	تبدیل خط‌مشی به قانون در جهان			
۲۲	نظریه‌پردازی	جمع کردن ائتلاف پایدار		
۲۳	گفتمان‌سازی - فرهنگ‌سازی			
۲۴	الگوسازی			
۲۵	شاخص‌سازی			
۲۶	واژه‌سازی			
۲۷	شبکه‌سازی			
۲۸	مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرا			
۲۹	وحدت کلمه‌ی مردم ایران			
۳۰	ولایت مطلقه فقیه	نواوری		
۳۱	مجمع تشخیص مصلحت نظام			



ارائه الگوی ارزشیابی موفقیت خطمشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران  
مهدی عبدالحمید، علی اصغر پورعزت



شکل ۱. الگوی ابعاد و شاخص‌های سامانه موفق خطمشی‌گذاری عمومی

### ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با دغدغه‌ی ایجاد الگوی درخور، جهت ارزشیابی موفقیت خطمشی‌های عمومی

جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای سامان داده شده است. در این راستا، پژوهشگران در ابتدا مدل‌های معمول ارزشیابی موفقیت خط‌مشی را سامان داده و پس از آن، یکی از مدل‌ها را که از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و مبتلا به حداقل کژکارکردها بود را به عنوان «مدل منتخب» خود برگزیدند. در مسیر پژوهش، از رویکرد تحلیل محتوای کیفی قیاسی جهت دستیابی به مضمون‌های اصلی استفاده گردید. پس از آن، پژوهشگران با رجوع به منبع تحقیق (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) و اتخاذ روش تحلیل مضمون، در صدد اشباع مضمون‌های اصلی منتخب برآمدند. در این مرحله از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد و در نهایت ۱۲۶ مؤلفه در قالب ۴ مضمون اصلی پیامدهای سیاسی (۲۷ مؤلفه)، پیامدهای توزیعی (۱۶ مؤلفه)، فراگرد (۳۱ مؤلفه)، و دستیابی به اهداف (۵۲ مؤلفه)، در قالب روش دلفی فازی مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

مزیت این پژوهش، نخست ورود به عرصه‌ی دشوار ارزشیابی خط‌مشی و تلاش برای تدوین شاخص‌های ارزشیابی سامانه‌ی خط‌مشی‌گذاری در ادبیات مدیریت دولتی است و دوم، فراتر رفتن از مدل کارکردی پارسونز و دسته‌بندی و مدل‌سازی مفاهیم در قالب رویکردی نوین به موفقیت سامانه‌ی خط‌مشی‌گذاری است. به عبارت دیگر، پژوهش‌گران با بهره‌گیری از الگوی نوین، در صدد فهم و مدل‌سازی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های سیاسی منطقه و جهان برآمده، و در این راستا به مجموعه مضمون‌هایی نوینی دست یافته‌اند که تاکنون از نظر مغفول مانده بود.

بر این اساس، در سطح دوم مدل، درباره‌ی پیامدهای سیاسی، به مضمون‌های جذبه‌ی بین‌المللی و جذبه‌ی ملی، درباره‌ی پیامدهای توزیعی به مضمون‌های سطح امید موافقین و مخالفین نظام، درباره‌ی مضمون کلی اهداف، به مضمون‌های تعالی فردی و اجتماعی، و در سطح سوم و در قالب مضمون تعالی فردی، ابعاد بینش، ارزش، و رفتار و در قالب مضمون تعالی اجتماعی به شاخص‌های زمینه‌ای و شاخص‌های عرصه‌ی اقتصادی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی اجتماعی، و عرصه‌ی علم و فناوری اشاره شده است. در نهایت مضمون کلی فراگرد، در چارچوب چهار مضمون فرعی حفظ اهداف و ابزار خط‌مشی، مشروعیت از طریق پذیرش عمومی، جمع کردن ائتلاف پایدار، و نوآوری سامان گرفته است.

براین اساس، می‌توان ادعا کرد که این سیستم در صورت تکامل و توسعه، امکان طراحی یک سیستم ارزشیابی کیفیت خط‌مشی را برای سامانه‌های خط‌مشی‌گذاری فعال در ساختار کشور جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد.

## منابع

۱. امامی میبدی، راضیه (۱۳۹۱). «ارزیابی سیاست؛ نابسامانی مفهومی؟!»، فصلنامه تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۱.
۲. امیری، علی نقی، و عابدی جعفری، حسن (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی: رویکردها، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳. امامی، سید مجتبی؛ بنافی، مسعود و سجادیه، سید علیرضا (۱۳۸۹). «تحلیلی انتقادی بر بکارگیری شاخص‌های مرسوم جهانی توسعه»، دو فصلنامه برنامه و بودجه، دوره ۱۵، شماره ۱۱۰.
۴. پناهنده، محمد (۱۳۸۲). «ارزیابی راهبردی محیط زیست (SEA): رویکرد برنامه ای به ارزیابی نشاندهای محیط زیست (EIA)»، محیط‌شناسی، دوره ۲۹، شماره ۳۲.
۵. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۰). «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی»، معرفت اقتصادی، شماره ۴.
۶. خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۶). «شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، اقتصاد اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۸.
۷. دباغ، سروش و نفری، ندا (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳.
۸. رجایی، سید محمدکاظم (۱۳۷۸). «توسعه به عنوان هدف (نگرش قرآنی)»، معرفت، ش ۲۸، ص ۳۱-۴۱.
۹. رضایی شریف آبادی، سعید (۱۳۹۰). تحلیل محتوای خط‌مشی دسترسی و ارائه خدمات بخش خطی کتابخانه‌های کشور و ارائه راهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. سلطانی گردفرامری، علی محمد (۱۳۹۰). مدل ارزیابی سیاست‌گذاری فناوری نانو در ایران، رساله‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)؛
۱۱. عابدینی، اصغر (۱۳۹۲). ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در ارتباط با استطاعت مالی خانوارهای کم درآمد شهری در ایران (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، رساله دکتری، دانشگاه تبریز.

۱۲. علیزاده، ساره (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های نظارت و ارزیابی برنامه‌های نمایشی سیما و ارائه‌ی شاخص مطلوب از دیدگاه کارشناسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۱۳. فیضی، کاوه (۱۳۷۵). ارزیابی خط‌مشی‌های کوتاه مدت در جهت استحکام روابط بازرگانی بلندمدت (بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)؛

۱۴. نقی پورفر، ولی‌ا...؛ احمدی، محمدرضا (تابستان ۱۳۸۷). «شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۴.

۱۵. هادی‌پیکانی، مهربان (۱۳۸۸). الگویی برای فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران، رساله‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)؛

۱۶. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱/۶/۱۳۹۴)، <http://farsi.khamenei.ir>

۱۷. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۱۸. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۳). مدیریت ما، مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام، تهران، انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۹. رضایی‌منش، بهروز؛ عبدالحمید، مهدی؛ پورعزت، علی اصغر و شریف زاده، فتاح (۱۳۹۳). «الگوی ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی در پرتو معرفت علوی»، راهبرد فرهنگ، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۳.

۲۰. عبدالحمید، مهدی و محمدی، مهدی (۱۳۹۳). «تبیین مکانیزم اثر کاربست روش‌های نامطلوب سیاست‌گذاری توسعه محور بر روی گروه‌های هدف»، مجموعه سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۲۱. محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.

۲۲. محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.

۲۳. میرزایی اهرنجانی، حسن؛ علی اصغر پورعزت و علی اصغر سعدآبادی (۱۳۹۲). مدیریت توسعه روستا؛ گذار به سوی روستای الکترونیکی، انتشارات میدانچی.
۲۴. واعظی، رضا و محسن محمدی (۱۳۹۶). «الگویی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در ایران (مطالعه خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده)»، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۹.
25. Anderson, J.E., (1975), *Public Policy Making*, New York: Praeger Publishers, Inc,
26. Bardach, E, 1998, *Getting agencies to work together: The practice and theory of managerial craftsmanship*, Washington: Brookings Institution,
27. Bovens, M., and P. 't Hart, 1996, *Understanding Policy Fiascoes*, New Brunswick and London: Transaction Publishers,
28. Braun, V. & V. Clarke (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 2 (2): 77-101.
29. Charmaz, Kathy (2000), "Grounded Theory: Objectivist and Constructivist methods", In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.) *Handbook of Qualitative research*, second Edition, Thousand Oaks, Ca: Sage Publications Ltd,
30. Charmaz, Kathy (2006), *Grounding Grounded Theory: A Practical Guide Through Qualitative Analysis*, London: Sage Publications Ltd,
31. Davis, M.A.P. (1994). "A Multicriteria Decision Model Application for Managing Group Decisions", *The Journal of the Operational Research Society*, 45:47-58.
32. Davis, O.L. Jr. 1997. "Beyond 'best practices' toward wise practices"; *Journal of Curriculum and Supervision*, 13(1): 1-5.
33. DeLeon, P, and L. DeLeon, (2002), "What ever happened to policy implementation? An alternative approach" *Journal of Public Administration Research and Theory* 12(4): 467-492,
34. Dunn, William N (2012), *Public policy analysis*, fifth edition, Pearson education, Inc,
35. Dye, Thomas R. (2013), *Understanding public policy*, 14<sup>th</sup> edition, Pearson Education, Inc.
36. Farazmand, Ali (2004), *Sound Governance*, Praeger (December 30, 2004)

37. Hibbing John R., and Elizabeth Theiss-Morse(1995), Congress as Public Enemy: Public Attitudes Towards American Political Institutions, New York: Cambridge University Press,
38. Hibbing John R., and Elizabeth Theiss-Morse (2002), Stealth Democracy: America's Beliefs about How Government Should Work, New York: Cambridge University Press,
39. Howlett, M, , M, Ramesh and Anthony Perl(2009), Studying Public Policy; Policy Cycles & Policy Subsystems, Third Edition , Oxford University Press
40. Hsu T,H,, Yang, T,H, (2000); "Application of fuzzy analytic hierarchy process in the selection of advertising media", Journal of Management and Systems, 7:583-99,
41. Joint Committee on Standards for Educational Evaluation, (1981), Standards for evaluations of educational programs, projects, and materials, New York: McGraw-Hill,
42. Joint Committee on Standards for Educational Evaluation, (1988), The personnel evaluation standards: How to assess systems for evaluating educators, Newbury Park, CA: Sage,
43. Joint Committee on Standards for Educational Evaluation, (1994), The program evaluation standards: How to assess evaluations of educational programs, Thousand Oaks, CA: Sage,
44. Joint Committee on Standards for Educational Evaluation, (2003), The student evaluation standards, Thousand Oaks, CA: Sage,
45. Kerr, D, 1976, 'The logic of 'policy' and successful policies,' Policy Sciences 7(3): 351-363,
46. Langbein, Laura and Claire L, Felbinger, 2006, Public Program Evaluation: a Statistical Guide, New York: M,E, Sharpe, Inc,
47. Lodge, M, 2003, 'Institutional choice and policy transfer: Reforming British and German railway regulation,' Governance 16(2): 159-178,
48. May, P, (1992), "Policy learning and failure", Journal of Public Policy, 12(4): 331-354,
49. McConnell, A, 2010a, 'Policy success, policy failure and grey areas in-be-

- tween, Journal of Public Policy 30(3): 345-362,`
50. McConnell, A, 2010b, Understanding policy success: Rethinking public policy, New York: Palgrave Macmillan,
  51. McConnell, A, (20015); "What is policy failure? A primer to help navigate the maze", Public Policy and Administration, 1-22
  52. Newman, Joshua (2014), "Measuring Policy Success: Case Studies from Canada and Australia", Australian Journal of Public Administration, vol, 73, no, 2, pp, 192-205
  53. Nagel, S, (2002), Handbook of public policy evaluation, Thousand Oaks: Sage,
  54. O'Sullivan, John, Teresa Dana (2008) "Redefining Maori economic development", International Journal of Social Economics, Vol. 35 Iss: 5, pp.364 - 379
  55. Palfrey, C., C, Phillips, P, Thomas, and D, Edwards,(1992), Policy evaluation in the public sector, Aldershot: Avebury/Ashgate Publishing,
  56. Passerini, Katia (2007) "Knowledge driven development indicators: still an eclectic panorama", Journal of Knowledge Management, Vol. 11 Iss: 5, pp.115 - 128
  57. Patton, Michael Quinn (2001); Qualitative Research & Evaluation Methods, 3rd edition, Utilization-Focused Evaluation, Saint Paul, MN
  58. Pineda, Jose' (2015), "Sustainability And Human Development:A Proposal For A Sustainability Adjusted Human Development Index", Theoretical and Practical Research in Economic Fields, Volume VI, Issue 1(11), Summer, 2015
  59. Rose, R, 1993, Lesson-drawing in public policy: A guide to learning across time and space, Chatham: Chatham House,
  60. Rossi, Peter Henry, Howard E, Freeman, and Mark W, Lipsey, 1999, Evaluation: A Systematic Approach, London, Thousand Oaks and New Delhi: Sage Publications, Inc,
  61. Salih, Thamir M. (2003), "Sustainable economic development and the environment", International Journal of Social Economics.

62. Sanderson, I, 2002, "Evaluation, policy learning and evidence-based policy making," , Public Administration 80(1): 1-22,
63. Shaw, I, 2000, Evaluating public programs: Contexts and issues, Aldershot: Ashgate,

